

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هيم
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن د هيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم "اسیر"

12 اگست 2011

یادی از دوست!

خبر وفات نابهنگام شاعر وارسته و مردم دوست، محترم عبداللطیف صدیقی لندری در کانادا، دوستدارانش را عمیقاً متأثر و غمین ساخت. خوشبختانه با همکاری مشترک ما در سایت وزین و هر دل پسند "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" تماس فرهنگی با جناب شان پیدا شد که در تماسهای مکرر تلفونی، از طرز صحبت، حلم و بردباری، انسان دوستی، خدا و وطن پرستی و در سروده هایشان عشق به وطن و مردم شریف وطنش نهفته بود. علاوه از ذوق ادبی و سرودن شعر خوب، استعداد هنر موسیقی هم داشت و رباب را خیلی ماهرانه مینواخت که بار بار از ورای تلفون با نواختن آهنگهای دلنواز دقایقی گوش مرا نوازش میداد. من این ضایعه بزرگ را به خانواده معزز شان و جامعه فرهنگی افغانستان در داخل و خارج تسلیت گفته و قطعه شعری به یاد بود شان پیشکش میکنم، خدایش بیامرزد!

ماه هم چهره در نقاب گرفت	آه، شب آمد، آفتاب گرفت
دامنش شعله شهاب گرفت	می درخشید کوکب اقبال
دست، از خون دل خضاب گرفت	شد «لطیف لندری» از دست
سوی دار بقا شتاب گرفت	دید، سست است پایه هستی
چه عجب گل به انتخاب گرفت	دست گلچین ز دامن گلشن
با حساب داد و بی حساب گرفت	چرخ داد و گرفتها دارد
عاقبت سر بشد، سراب گرفت	بر سر آب برد تشنه لبان
هر چه بی پرده، بی حجاب گرفت	هیچ در پرده نیست کار فلک
در نهایت چنین جواب گرفت	داشت از ما سوالها گزردون
دل ازین عالم خراب گرفت	رفت آخر «لندری» صد حیف

آیت « کَلَّ و من علیها فان » رهنمای خود از کتاب گرفت
خوب و زشت جهان، میان خالیست باید این درس از حباب گرفت
چه شکایت ز روزگار «اسیر»
مرگ دامن شیخ و شاب گرفت

(م. نسیم «اسیر» – فرانکفورت، 10 آگست 2011 م)